

بررسی سیاست خارجی روسیه بر اساس نظریه سیاست قدرت‌های

بزرگ مرشایمر (۲۰۱۸-۲۰۱۲)

الهام رسولی ثانی آبادی*

دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه یزد

سعید عطار

استادیار علوم سیاسی، دانشگاه یزد

فاطمه فارسی

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه یزد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۲/۱۷)

چکیده

از مهم‌ترین هدف‌های سیاست خارجی روسیه در دوران ریاست جمهوری پوتین تلاش برای احیا و بازگشت به جایگاه ابرقدرتی اتحاد شوروی بوده است. برای دستیابی به این هدف، پوتین به‌عنوان رئیس جمهوری روسیه و بالاترین مقام اجرایی این کشور و در راستای عملیاتی‌کردن شعارهای انتخاباتی خود مبنی بر ایجاد روسیه بزرگ و دولت قدرتمند روسی در سیاست خارجی پیگیر اقدام‌ها و راهبردهایی بوده است که نشان‌دهنده تهاجمی‌بودن سیاست روسیه در عرصه روابط بین‌الملل و تلاش برای بیشینه‌سازی قدرت این کشور است. در همین زمینه، برای فهم کامل اقدام‌های رفتاری روسیه در عرصه سیاست خارجی در دوران ریاست جمهوری پوتین در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ در این نوشتار بر آنیم تا بر اساس چارچوب نظری مرشایمر نظریه‌پرداز نواقح‌گرای تهاجمی در باب رفتار قدرت‌های بزرگ، سیاست خارجی این کشور را بر اساس شاخص‌های مورد نظر وی بررسی کنیم. از مهم‌ترین این شاخص‌ها می‌توان به راهبرد جنگ، اتحاد و ائتلاف، آتش‌بیاری معرکه یا تلاش برای هژمون‌شدن منطقه‌ای از راه ایجاد منطقه‌گرایی‌های جدید و مدیریت تولید معانی جدید جمعی منطقه‌ای اشاره کرد. در کنار این راهبردها باید به تلاش برای افزایش قدرت درونی روسیه (موازنه درونی قدرت در دو بعد افزایش قدرت اقتصادی و نظامی) نیز اشاره کرد. این نوشتار تحلیلی-توصیفی بر اساس انطباق نظریه بر نمونه است. شیوه گردآوری اطلاعات بر اساس منابع مجازی و داده‌های استنادی است.

کلیدواژه‌ها

پوتین، روسیه، سیاست خارجی، قدرت‌های بزرگ، مرشایمر.

مقدمه

روی کارآمدن دوباره پوتین در سال ۲۰۱۲ روند جدیدی در سیاست خارجی روسیه به وجود آورد. با بهبود نسبی شرایط اقتصادی و سیاسی در روسیه، پوتین فرصت یافت که بازسازی اقتدار روسیه در خارج از کشور و در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستور کار خود قرار دهد. از مهم‌ترین هدف‌های سیاست خارجی روسیه در این دوره بازگشت به جایگاه ابرقدرتی اتحاد شوروی بوده است. برای دستیابی به این هدف، پوتین به‌عنوان رئیس جمهوری روسیه و بالاترین مقام اجرایی و رسمی این کشور در سیاست خارجی پیگیر اقدام‌ها و راهبردهایی بوده است که نشان‌دهنده تهاجمی بودن سیاست روسیه در عرصه روابط بین‌الملل است، اقدام‌هایی که نشان‌دهنده سیاست افزایش قدرت روسیه به‌عنوان قدرتی بزرگ در نظام بین‌الملل است. سیاستی که به بیان مرشایمر واقع‌گرایی تهاجمی روابط بین‌الملل، منطق همیشگی و عقلانی همه قدرت‌های بزرگ برای رسیدن به جایگاه هژمونی منطقه‌ای و سپس هژمونی جهانی در نظام بین‌الملل است و فقط رسیدن به این جایگاه است که می‌تواند به این قدرت‌ها حس امنیت مطلق دهد. بنا به مفروض‌های اصلی نظریه سیاست قدرت‌های بزرگ مرشایمر، در این نوشتار برآنیم تا سیاست روسیه در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ (دوران ریاست جمهوری پوتین) را بر اساس این مفروض‌ها تبیین و بررسی کنیم. با بررسی اقدام‌ها و سیاست‌های روسیه در این دوره به این نتیجه می‌رسیم که روسیه به‌عنوان قدرتی بزرگ به‌کارگرفتن سیاست‌های تهاجمی علیه غرب، خواهان تجدیدنظرطلبی و به حداکثر رساندن سهم خود از قدرت جهانی و همچنین رسیدن به جایگاه هژمون منطقه‌ای از راه ایجاد منطقه‌گرایی‌های جدید و مدیریت تولید معانی جدید جمعی منطقه‌ای است.

چارچوب نظری: بررسی نظریه سیاست قدرت‌های بزرگ جان مرشایمر

جان مرشایمر به‌عنوان مهم‌ترین متفکر نظریه واقع‌گرایی تهاجمی در کتاب خود با عنوان «تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ»، نظرها و مفروض‌های خود در باب چگونگی رفتار و سیاست قدرت‌های بزرگ را به تفصیل بیان کرده است. مرشایمر مباحث خود را با گرایش تهاجمی و تجدیدنظرطلبانه قدرت‌های بزرگ آغاز می‌کند. این نظریه تأکید می‌کند که نظام بین‌الملل یک سری ویژگی‌های اصلی دارد و زمانی که این ویژگی‌ها به یکدیگر پیوند می‌خورند، انگیزه‌هایی قوی را برای تهاجمی بودن رفتار قدرت‌های بزرگ، ایجاد می‌کند و دنیایی از رقابت امنیتی بی‌وقفه را به تصویر می‌کشند (Mearsheimer, 2001: 73-74). مرشایمر برای قدرت‌های بزرگ، چهار هدف اساسی و عملیاتی بیان می‌کند:

۱. رسیدن به جایگاه هژمونی منطقه‌ای. در نظام بین‌الملل، هژمون بودن مطلوب‌ترین موقعیت است؛ زیرا در این صورت است که دولت‌ها می‌توانند بقای خود را تا حدودی تضمین

کنند. به همین دلیل دولت‌ها سعی می‌کنند تا سهم خود را از قدرت جهانی، به حداکثر برسانند و به دنبال فرصتی برای تغییر موازنه قدرت هستند (Mearsheimer, 2001: 114).

۲. کنترل بیشترین درصد ممکن از ثروت جهان. چرا که ثروت و قدرت اقتصادی به‌عنوان قدرت پنهان^۱ پایه قدرت نظامی آن‌هاست و به راحتی می‌تواند به قدرت نظامی تبدیل شود.

۳. تلاش برای رسیدن به برتری در موازنه قدرت زمینی منطقه خود. چرا که این بهترین راه برای به حداکثر رساندن سهم خود از قدرت نظامی است.

۴. برتری هسته‌ای بر رقبای خود.

در راستای دستیابی به این هدف‌ها، قدرت‌های بزرگ دو دسته از راهبردها را در پیش می‌گیرند. راهبردهایی چون جنگ، باجگیری^۲، طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش^۳، آتش‌باری معرکه، راهبردهایی برای رسیدن به قدرت و تغییر وضع موجود هستند و راهبردهایی چون ایجاد موازنه (موازنه‌سازی)^۴ و احاله مسئولیت^۵ مهم‌ترین راهبردهایی هستند که قدرت‌های بزرگ برای حفظ وضع موجود و کنترل مهاجم از آن‌ها بهره می‌گیرند (Mearsheimer, 2001: 156).

جدول ۱. مفروضه‌های اصلی نظریه مرشایمر در ارتباط با الگوهای رفتاری قدرت‌های بزرگ

ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل		مفروضه‌های اصلی نظام بین‌الملل
تضمین بقا هدف اصلی دولت‌ها		
اطمینان‌نداشتن از نیت‌ها و هدف‌های دیگران		الگوهای رفتاری قدرت‌های بزرگ
دولت‌ها بازیگران عقلانی		
الگوی مبتنی بر ترس	الگوی مبتنی بر خودیاری	هدف‌های عملیاتی قدرت‌های بزرگ
الگوی مبتنی بر به حداکثرسانی قدرت	الگوی مبتنی بر خودیاری	
هژمون‌طلبی	هژمون‌طلبی منطقه‌ای	افزایش قدرت اقتصادی
گسترش نفوذ در مناطق دیگر	گسترش نفوذ در مناطق دیگر	
افزایش قدرت نظامی		راهبردهای قدرت‌های بزرگ (راهبردهایی برای بقا)
افزایش قدرت نظامی برتری هسته‌ای		
راهبرد افزایش قدرت	جنگ باجگیری آتش‌بار معرکه	راهبرد مهار مهاجم
طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش	طعمه‌گذاری و تحریک برای فرسایش	
موازنه‌سازی	احاله مسئولیت	ساکت‌سازی دنباله‌روی
ساکت‌سازی	دنباله‌روی	

Source: Mearsheimer, 2001

1. Latent Power
2. Blackmail
3. Bait and Bleed
4. Balancing
5. Buck-Passing

اقدام‌های روسیه برای رسیدن به هژمونی منطقه‌ای (الگوی پیشینه‌سازی قدرت در منطقه) همان‌گونه که بیان شد از منظر مرشایمر هدف نهایی قدرت‌های بزرگ رسیدن به جایگاه هژمون منطقه‌ای و حفظ آن موقعیت است. چرا که از این راه می‌تواند امنیت خود را تضمین کنند. روسیه نیز با اتکا به همین اصل، از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند تا موقعیت و هژمونی خود در منطقه (اوراسیای مرکزی) را تثبیت کند. در این زمینه، روسیه تلاش می‌کند تا ضمن تداوم حضور در مناطق راهبردی و به‌ویژه بحرانی، کنترل مرزهای اتحاد شوروی را حفظ کند. همچنین بحران‌هایی که می‌تواند زمینه‌ساز نفوذ باشد را هدایت و مدیریت کند و از آن‌ها برای کنترل رفتار خارجی کشورهای منطقه‌ای استفاده کند و زمینه تضعیف عامل‌ها و اتحادیه‌هایی که به‌عنوان ابزار نفوذ غربی در منطقه عمل می‌کند را فراهم کند (Krastev, 2014). البته باید بیان کرد که دعوی قدرت بزرگ بودن روسیه و اینکه این کشور به‌وسیله راهبردهای مختلف از جمله راهبرد نظامی و جنگ به‌دنبال سهم‌خواهی خود از ژئوپلیتیک قدرت در جهان است ریشه تاریخی دارد و از خودباوری این کشور در قرن‌های گذشته برآمده است و به مداخله‌های نظامی از سوی این کشور در منطقه پیرامون خود از جمله قفقاز منجر شده است.^۱ نمونه این رفتار را می‌توان در بحران اوکراین و بحران قره‌باغ مشاهده کرد.

الف) سیاست خارجی روسیه در برابر بحران اوکراین

اوکراین یکی از مهم‌ترین کشورهای حوزه اوراسیا است که از نظر تاریخی، نزدیکی بسیاری به دولت روسیه داشته است. از نظر اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نیز اهمیتی زیادی برای روسیه دارد (Valizadeh and Others, 2015: 155). با شروع اعتراض‌های داخلی اوکراین که نشان‌دهنده تمایل‌های مختلف جریان‌های سیاسی این کشور به غرب یا روسیه بود، فرصت مداخله خارجی فراهم آمد و اوکراین را به صحنه رویارویی قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه و آمریکا و اتحادیه اروپا تبدیل کرد (Hoseini and Aineh Vand, 2016: 160). از این‌رو، روسیه برای تأمین منافع خود و برهم‌نخوردن توازن موجود در منطقه راهبردهایی را برای کنترل و مدیریت بحران اوکراین در پیش گرفت که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. راهبرد جنگ: پیوندادن کریمه

از منظر واقع‌گرایی تهاجمی مرشایمر، جنگ اصلی‌ترین راهبرد قدرت‌های بزرگ برای به‌دست‌آوردن قدرت بیشتر است و پیروزی در جنگ می‌تواند موجب تغییر در موازنه قدرت

۱. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: Koolae and Abedi, 2018: 18.

شود. چرا که جنگ به دولت پیروز این امکان را می‌دهد تا سرزمینی را به خود ضمیمه کند و از مردم آن سرزمین به‌عنوان نیروی نظامی ارتش خود استفاده کند (Mearsheimer, 2010: 79). براساس این منطق، بحران اوکراین و پیوند دادن کریمه به روسیه، مصداق بارز استفاده از راهبرد جنگ و تصرف سرزمینی است که روسیه در سیاست خارجی خود بر اساس مفهوم «آیین مونروئه روسی»^۱ به‌کار گرفته است (Majidi and Others, 2017: 364).

۲. راهبرد باجگیری: حمایت از جدایی‌طلبان شرق اوکراین

راهبرد باجگیری، جذاب‌ترین راهبرد از نظر مرشایمر است؛ زیرا بر تهدید به استفاده از زور و نه استفاده از زور به معنای واقعی کلمه مبتنی است. اگر باجگیری مؤثر باشد، بر جنگ برتری دارد؛ زیرا دولت باجگیر بدون صرف هزینه خونبار به هدف‌های خود می‌رسد. شایان توجه اینک از نظر مرشایمر احتمال مؤثر بودن این راهبرد، علیه قدرت‌های کوچک بیشتر است (Mearsheimer, 2001: 154). براساس این نظریه می‌توان گفت، در جریان بحران اوکراین، روسیه با حمایت از جدایی‌طلبان شرق اوکراین و ناام کردن مرزهای شرقی اوکراین، از این راهبرد برای مقابله با تمایل‌های غرب‌گرایانه اوکراین و به‌طور کلی کشورهای که در منطقه تمایل‌های غربی دارند و همچنین مقابله با طرح گسترش ناتو و اتحادیه اروپا به‌سوی شرق و نفوذ آمریکا در حیط خلوت خود استفاده کرد. در بخش شرقی اوکراین، اقلیت‌های روس‌زبان ساکن هستند که با روسیه پیوندهای گسترده‌ای دارند و با تحریک روسیه خواهان خودمختاری هستند. این مسئله همواره به‌عنوان اهرمی در دست روسیه برای تأثیرگذاری بر اوکراین بوده است (Charap, 2014).

روسیه برای زیر فشار قراردادن اوکراین نیروهای خود را در مرز با اوکراین مستقر کرد. همچنین به‌جای اینکه به‌شکل مستقیم وارد درگیری‌های شرق اوکراین شود، از تعداد محدودی نیروی‌های غیررسمی مانند «مردان سبز» استفاده کرد و با ارائه تسلیحات به جدایی‌طلبان، نه تنها کی‌یف را در موقعیت دشواری قرار داد؛ بلکه از احتمال شناسایی روسیه به‌عنوان متجاوز جلوگیری کرد (Spaulding, 2015: 3).

ب) سیاست خارجی روسیه در قبال بحران قره‌باغ (راهبرد آتش‌بیار معرکه)

از نظر مرشایمر، یکی از راهبردهای قدرت‌های بزرگ برای افزایش قدرت خود، «راهبرد آتش‌بیار معرکه» است. در این راهبرد، قدرت بزرگ از همه امکانات خود استفاده می‌کند که بین رقبا منازعه‌ای طولانی مدت (فرسایشی) و پرهزینه در بگیرد تا قدرت و

توانشان را تضعیف کند. در این راهبرد هیچ‌گونه طعمه‌گذاری وجود ندارد و کشوری که این راهبرد را به‌کار می‌گیرد، خود بیرون از نزاع باقی می‌ماند (Mearsheimer, 2001: 155). از مصداق‌های بارز به‌کارگیری این نوع راهبرد از سوی روسیه را می‌توان در بحران قره‌باغ دید.

بحران قره‌باغ یکی از اولین بحران‌های قلمرو اتحاد شوروی است که ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی دارد و دورنمای آن مبهم است. این بحران در سال ۱۹۹۱ و پس از فروپاشی اتحاد شوروی به‌عنوان چالشی اساسی میان دو جمهوری نواستقلال آذربایجان و ارمنستان مطرح بود و دو کشور را در مسیر جنگ و منازعه خونین قرار داده است. اگرچه درگیری‌ها میان دو کشور پس از آتش‌بس سال ۱۹۹۴ متوقف شده است؛ اما این بحران تداوم پیدا کرده و دو کشور را در «وضعیت نه جنگ و نه صلح» قرار داده است. این بحران به‌واسطه موقعیت ژئوپلیتیک و راهبردی و اهمیت فراوان قفقاز جنوبی و قره‌باغ، به‌کانون رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. در این میان روسیه نقش مهم‌ترین بازیگر را در این بحران بازی می‌کند (Zahrani and Faraji, 2013: 110-111).

از این‌رو، روسیه تلاش می‌کند خود را واسطه بی‌طرف منازعه‌ای نشان دهد که با یک طرف آن اتحاد نزدیک نظامی و اقتصادی داشته است و با طرف دیگر شراکتی عمل‌گرایانه. از یک‌سو روسیه با حمایت از ارمنستان مانع از تصرف قره‌باغ توسط جمهوری آذربایجان می‌شود و از سوی دیگر با فروش تسلیحات به جمهوری آذربایجان و حمایت از نوسازی ارتش این کشور (ایجاد مسابقه تسلیحاتی) موجب نگرانی ارمنستان می‌شود و به‌شکلی به روند ادامه‌دار درگیری کمک می‌کند (Bordachev and Others, 2016).

اقدام‌های روسیه برای گسترش نفوذ در مناطق پیرامون (الگوی بیشینه‌سازی قدرت در مناطق پیرامون)

براساس نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، دولت‌ها نه تنها به دنبال تسلط بر منطقه خود هستند؛ بلکه همچنین می‌کوشند تا از دستیابی رقبایشان در سایر مناطق به‌هژمونی جلوگیری کنند. از این‌رو، تلاش می‌کنند تا در این مناطق موازنه قدرت میان قدرت‌های منطقه را حفظ کنند و از تسلط یکی از قدرت‌ها بر منطقه جلوگیری کنند. در این زمینه، اگر در منطقه هژمون بالقوه به‌وجود آید و موازنه مختل شود، اولین گزینه مورد نظر، دورماندن از درگیری‌ها و اجازه‌دادن به قدرت‌های محلی برای رفع بحران و برقراری دوباره موازنه است. در مرحله دوم، اگر قدرت‌های محلی نتوانند تهدید را رفع کنند، هژمون منطقه دیگر، خود در موازنه علیه رقیب قرار می‌گیرد و به‌عنوان موازنه‌گر خارجی در سایر مناطق عمل می‌کند (Mearsheimer, 2001).

157). از این دیدگاه، روسیه با پیگیری بازی در سطح جهانی به دنبال تجدیدنظر در توزیع قدرت جهانی و گسترش نفوذ خود در مناطق پیرامون است تا جایی که به‌عنوان بازیگر هم‌سنگ با آمریکا در نظر گرفته شود. نمونه بارز این مسئله رفتار سیاست خارجی روسیه نسبت به منطقه غرب آسیا و در برابر بحران سوریه است.

الف) سیاست خارجی روسیه در برابر بحران سوریه

بحران سوریه که از بعد داخلی آغاز و سرانجام ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا کرد به بحرانی پیچیده تبدیل شد. بروز تنش میان روسیه و ایالات متحده آمریکا از جریان‌های مهم و تعیین‌کننده در بحران سوریه بوده است که جهان شاهد پررنگ‌تر شدن تنش‌ها میان این دو کشور، در پی واکنش نظامی روسیه در سوریه بوده است. از نظر روسیه، سوریه نمونه‌ای است که نه تنها باید از آن مراقبت کرد؛ بلکه رسالتی مهم برای بازگشت این کشور به مواضع از دست‌رفته و ارتقاء جایگاهش در منطقه حساس خاورمیانه و شمال آفریقا است (Koolae and Soltaninejad, 2017: 121).

۱. راهبرد اتحاد و ائتلاف در برابر بحران سوریه (ائتلاف چهارگانه)

از راهبردهای مورد استفاده قدرت‌های بزرگ، راهبرد اتحاد و ائتلاف (موازنه بیرونی) است. این راهبرد از منظر واقع‌گرایی تهاجمی برای بیشینه‌سازی قدرت و نفوذ و همچنین مهار و موازنه مهاجم و تهدیدهای ناشی از آن صورت می‌گیرد. دولت‌هایی که منافع و تهدیدهای مشترکی دارند با به‌کارگیری این راهبرد هزینه‌ها و وظایف موازنه‌سازی را میان خود تقسیم می‌کنند (Mearsheimer, 2010: 82). در جریان بحران سوریه نیز ما شاهد شکل‌گیری این دسته از اتحادها و ائتلاف‌ها هستیم. اصلی‌ترین این ائتلاف‌ها، ائتلاف بین‌المللی علیه داعش به رهبری آمریکا (حامی مخالفان اسد) و ائتلاف حامی نظام سوریه موسوم به ائتلاف چهارگانه به رهبری روسیه و متشکل از کشورهای ایران، عراق و سوریه در سپتامبر ۲۰۱۵ است. البته روسیه در کنار این راهبرد اتحاد و ائتلاف، در زمینه اقدام‌های دیپلماتیک نیز در راستای موازنه‌سازی آمریکا قطعنامه‌های شورای امنیت علیه سوریه و دولت بشار اسد را وتو کرد (Abolhasan Shirazi, 2016: 55-56).

۲. راهبرد جنگ مستقیم و جنگ نیابتی

همان‌گونه که پیشتر در بحران اوکراین توضیح دادیم، راهبرد جنگ، اصلی‌ترین راهبرد قدرت‌های بزرگ برای به‌دست آوردن قدرت از منظر واقع‌گرایی تهاجمی است. قدرت بزرگ برای موازنه قدرت‌های رقیب در مناطق دیگر، زمانی از این راهبرد بهره می‌برد که قدرت‌های

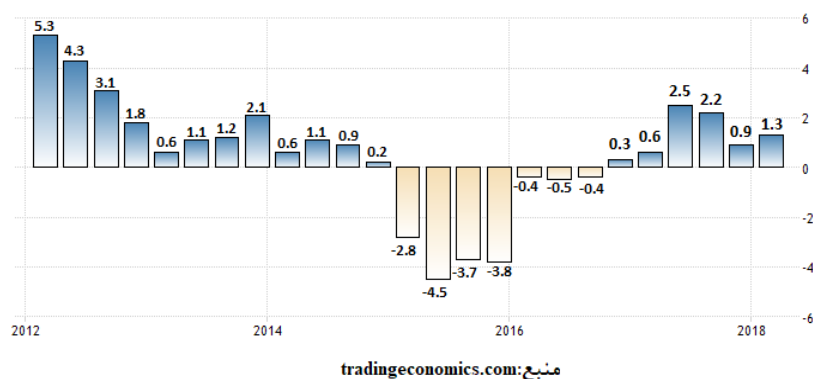
محلی توانایی کافی را برای موازنه در منطقه نداشته باشند و به کمک یک قدرت خارجی نیازمند باشند. در این شرایط قدرت بزرگ خود برای موازنه‌سازی اقدام می‌کند (Mearsheimer, 2001: 157). در بحران سوریه نیز روسیه در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ حملات هوایی خود را علیه مواضع داعش در سوریه آغاز کرد و به صورت مستقیم وارد جنگ شد. روسیه همچنین اقدام به استقرار نیروهای نظامی خود در (پایگاه هوایی حمیم) لاذقیه کرد و با استفاده از نیروی هوایی خود، پوشش هوایی ارتش سوریه را بر عهده گرفت و حمله‌های زمینی را به ارتش سوریه، نیروهای حزب‌الله و حمایت‌های مستشاری نظامی ایران واگذار کرد. همچنین روسیه برای محافظت و تقویت بندر طرطوس که از دغدغه‌های اصلی این کشور برای ورود به سوریه بود، در اکتبر ۲۰۱۶ تنها ناو هواپیمابر عملیاتی خود «آدمیرال کوزنتسوف» را به دریای مدیترانه فرستاد (Koolae and Soltaninejad, 2017: 125).

بررسی اقدام‌های روسیه در جهت افزایش قدرت (موازنه درونی قدرت در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸)

در این مبحث به اقدام‌های درونی روسیه در جهت افزایش قدرت (موازنه درونی قدرت) می‌پردازیم. این اقدام‌ها را در دو بخش تلاش در جهت افزایش قدرت اقتصادی و تلاش در جهت افزایش قدرت نظامی و موشکی بررسی می‌کنیم.

الف) تلاش در جهت افزایش قدرت اقتصادی

مرشایمر معتقد است که قدرت‌های بزرگ تلاش می‌کنند تا میزان ثروت خود را در جهان به بیشترین حد برسانند. چرا که قدرت اقتصادی پایه قدرت نظامی آن‌هاست و به راحتی می‌تواند به قدرت نظامی تبدیل شود (Mearsheimer, 2001: 160). بر این اساس، روسیه نیز در دوران ریاست جمهوری پوتین به دنبال افزایش قدرت اقتصادی خود است. از این رو، پوتین در بخش رشد اقتصادی سند امنیت ملی ۲۰۱۵ خود به وضوح تأکید می‌کند که از هدف‌های راهبردی روسیه برای تأمین امنیت، توسعه اقتصاد ملی، امنیت اقتصادی، گذار اقتصاد به سطح جدیدی از توسعه فناوری، قرارگرفتن روسیه در شمار کشورهای پیش رو از نظر تولید ناخالص داخلی و رویارویی موفق نسبت به نفوذ تهدیدهای داخلی و خارجی است (www.ieee.es, 2015).



نمودار ۱. نرخ رشد تولید ناخالص سالانه روسیه (۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸)

۱. اعمال اقدام‌های ضد تحریمی روسیه در قبال اروپا و آمریکا (۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶)

بعد از بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین و پیوند دادن کریمه به روسیه، غرب تحریم‌هایی را علیه روسیه به کار گرفت. به همین منظور، در اواخر اوت ۲۰۱۵ پوتین لایحه‌ای را امضا کرد که بر اساس آن دلار و یورو از تجارت میان کشورهای هم‌سود حذف شود. این موضوع به معنای ایجاد یک بازار مالی واحد بین روسیه و کشورهای ارمنستان، روسیه سفید، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان به‌شمار می‌رفت (Hedayati Shahidani, 2018: 160). از دیگر اقدام‌های روسیه برای مقابله با تحریم‌های غرب و حفظ قدرت اقتصادی خود تغییر مقصد صادراتی انرژی روسیه از اروپا به آسیا و آمریکای لاتین بوده است. در همین زمینه، آمار منتشر شده درباره تجارت خارجی روسیه در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ نیز نشان می‌دهد که تجارت خارجی روسیه با کشورهای اروپایی و آمریکا حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است. در مقابل، روابط تجاری روسیه با کشورهایمانند چین رشد شایان توجهی داشته است (Goldstien, 2018).

۲. اقدام‌های روسیه در زمینه قدرت‌یابی انرژی

بر اساس آمار بریتیش پترولیوم که در ژوئن ۲۰۱۷ منتشر شد، روسیه در سال ۲۰۱۶ پیش‌تاز بازار انرژی از لحاظ صادرات بوده است (www.bp.com, 2017: 24). از اقدام‌هایی که روسیه در این زمینه انجام داده است در اختیار داشتن راهروهای انتقال انرژی به اروپا بوده است. برای اینکه بتواند نبض بازار انرژی در اوراسیا را در اختیار داشته باشد و با کنترل مسیرهای حمل‌ونقل، تسلط خود را بر این پهنه جغرافیایی ادامه دهد. در همین زمینه، می‌توان به «جریان شمالی ۲» جدیدترین طرح خط لوله گازی اشاره کرد که با هدف انتقال گاز روسیه به اروپا از راه دریای بالتیک طراحی شده است. این قرارداد در سپتامبر ۲۰۱۵ بین روسیه و کنسرسیومی از کشورهای اروپایی امضا شد. ظرفیت آن ۵۵ میلیارد متر مکعب گاز در سال برآورد شد. ساخت

این طرح بنابر برنامه، سال ۲۰۱۸ آغاز و در سال ۲۰۱۹ به پایان می‌رسد (Keramatinia, 2017: 3-4).

۳. روسیه و عضویت در سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۱۲

روسیه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان و از پرجمعیت‌ترین کشورهای خارج از سازمان تجارت جهانی در ۲۲ اوت ۲۰۱۲ پس از هجده سال گفت‌وگو به عضویت این سازمان درآمد. هدف اصلی روسیه از پیوستن به این سازمان، به‌دست‌آوردن امتیازهای جدید تجاری همچون دسترسی به بازارهای خارجی، فراهم کردن شرایط رفتار غیر تبعیض‌آمیز برای صادرکنندگان روسی، دسترسی به سازوکارهای بین‌المللی حل اختلاف‌های تجاری، ایجاد فضای مطلوب‌تر برای سرمایه‌گذاری خارجی، فراهم کردن شرایط افزایش کمیت و کیفیت تولیدهای داخلی با هدف افزایش توان رقابت‌پذیری آن‌ها با واردات رو به رشد کالاها و خدمات خارجی و گسترش فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاری روسی در کشورهای عضو سازمان است (Kirsanov and Safonoy, 2014: 197).

۴. ایجاد همگرایی در قالب اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۱

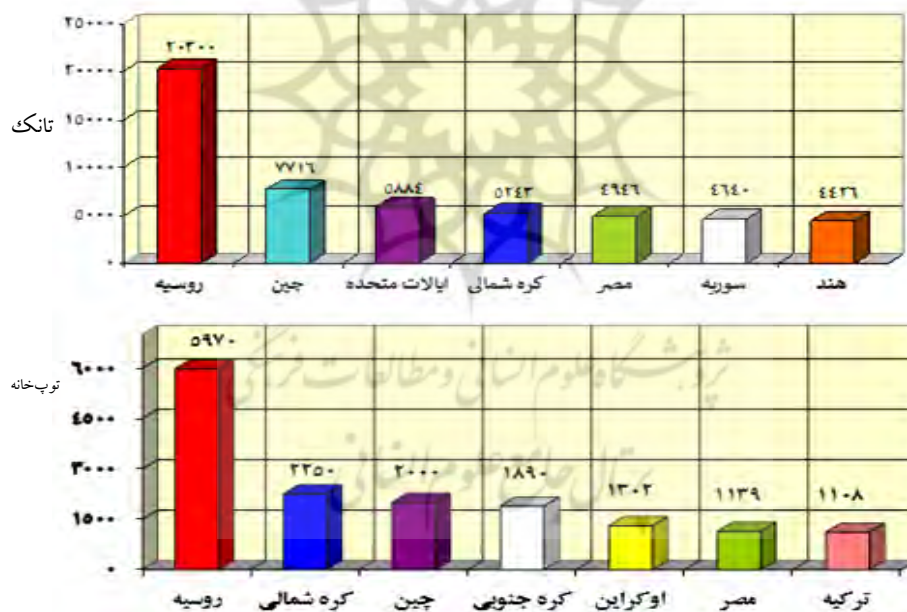
این اتحادیه در سال ۲۰۱۵ با هدف ایجاد همگرایی اقتصادی در منطقه اوراسیا و با حضور روسیه، روسیه سفید و قزاقستان فعالیت خود را آغاز کرد. در همین سال ارمنستان و قرقیزستان نیز به این اتحادیه پیوستند. از نظر سیاسی، موافقت‌نامه اتحادیه اقتصادی اوراسیا در شرایطی امضا و به اجرا گذاشته شد که بحران اوکراین موجب تیرگی در روابط روسیه با غرب شده بود. از همین رو، به نظر می‌رسد که روسیه تمایل دارد «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» به‌عنوان وزنه تعادلی در برابر قدرت سیاسی و اقتصادی غرب از جمله اتحادیه اروپا باشد (Bordachev and Others, 2016).

ب) تلاش در جهت افزایش قدرت نظامی

از نظر مرشایمر، قدرت‌های بزرگ همواره در پی افزایش قدرت نظامی خود هستند. چرا که این بهترین راه برای حفظ بقای دولت‌ها است. قدرت واقعی یک دولت در ارتش (نیروی زمینی) و نیروهای هوایی و دریایی نهفته است که مستقیم آن را حمایت می‌کنند. در این میان، ارتش عنصر اصلی قدرت نظامی است. روسیه نیز به‌لحاظ فرهنگ سیاسی تهدیدمحور و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک خود، تقویت توانمندی نظامی خود را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌داند؛ بنابراین تقویت ارتش روسیه در دوران ریاست جمهوری پوتین چه در

1. Eurasian Economic Union (EEU)

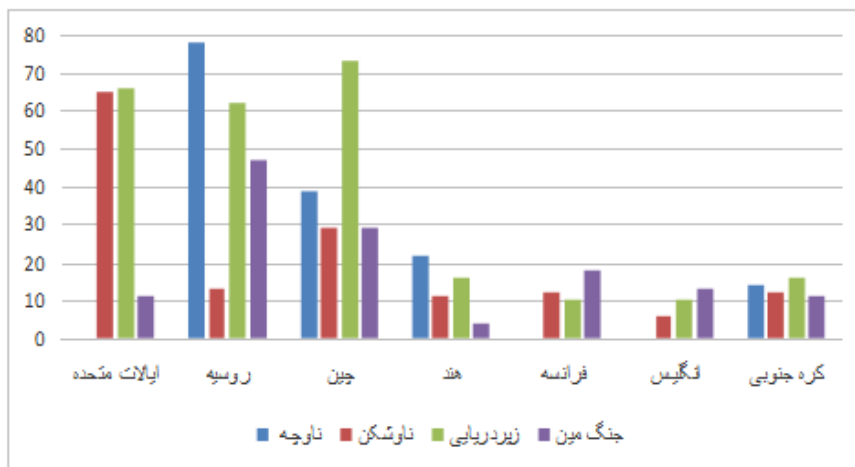
دهه گذشته و چه در حال حاضر اهمیت بسیار زیادی داشته است. در رابطه با افزایش توان نظامی روسیه، سند آیین نظامی ۲۰۱۴ (ماده ۲۶)، این اقدام را برای ایجاد ثبات راهبردی و بازدارندگی ضروری تلقی می‌کند. بر این اساس، این سند اعلام می‌کند که روسیه در چارچوب انجام فعالیت‌های بازدارندگی قهری راهبردی، استفاده از سلاح‌های بسیار دقیق را بررسی می‌کند (www.offiziere.ch, 2014). همچنین سند راهبرد امنیت ملی، برای تأمین امنیت مرزها، از قصد روسیه برای استقرار سامانه‌های و مجتمع‌های دارای تکنولوژی پیشرفته چندمنظوره، خبر می‌دهد. ماده ۳۹ این سند بر افزایش آمادگی بسیج نیروها و حفظ سطح کافی ظرفیت نظامی - فنی سازمان نظامی و همچنین آماده‌سازی اقتصادی تأکید می‌کند (www.ieee.es, 2015) در زمینه قدرت نظامی روسیه بیش از هر چیزی باید به قدرت تانکی این کشور اشاره کرد. روسیه با مجموع ۲۰۳۰۰ تانک در جایگاه نخست رتبه‌بندی جهان قرار دارد و بعد از آن کشورهای چین و آمریکا قرار دارند. روسیه در توپخانه خودکشی^۱ (به تعداد ۵۹۷۰) نیز رتبه اول را دارد (Global Fire Power, 2018).



Source: "Countries with the Largest Tanks and Artillery" (2018), Available at: www.globalfirepower.com, (Accessed on: 11/2/2017).

نمودار ۲. کشورهای دارای بیشترین تانک و توپخانه

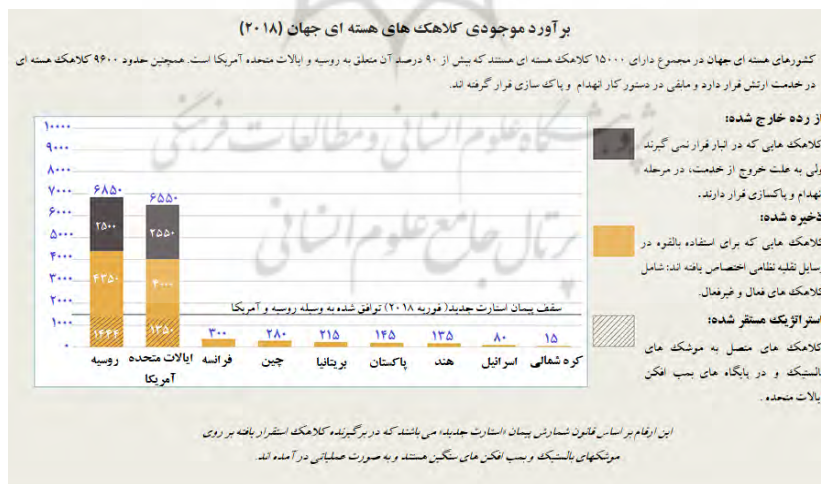
1. Self-Propelled Artillery



Source: "Russia's Position in Terms of Marine Equipment among the Great Powers" (2018), Available at: www.globalfirepower.com, (Accessed on: 11/2/2017).

نمودار ۳. جایگاه روسیه از نظر تجهیزات دریایی در میان قدرت‌های بزرگ

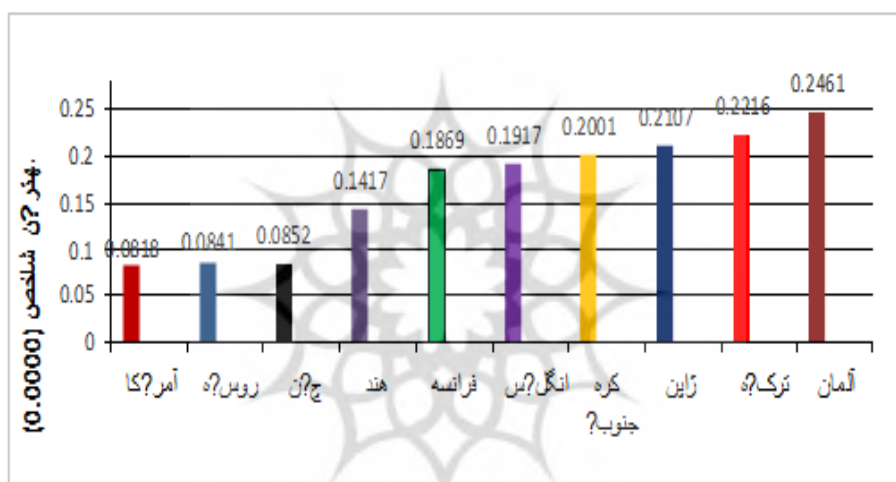
از دیگر مؤلفه‌های افزایش قدرت نظامی در نظریهٔ مرشایمر توانمندی هسته‌ای قدرت‌های بزرگ است که حتی آن‌ها را نیز به سوی برتری هسته‌ای ترغیب می‌کند. از نظر مرشایمر اگر قدرت بزرگی توانمندی هسته‌ای (سلاح هسته‌ای) نداشته باشد نمی‌تواند خود را هم‌زمن بالقوه مطرح کند (Mearsheimer, 2001: 160).



Source: "Estimated Nuclear Warheads World" (2018), Available at: www.armscontrol.org, (Accessed on: 13/2/2018).

نمودار ۴. موجودی کلاهک‌های هسته‌ای برآوردشدهٔ جهان در سال ۲۰۱۸

به‌طور کلی بر اساس تحلیل و نتیجه‌های نهایی، رتبه‌بندی مؤسسه گلوبال فایر پاور، روسیه به‌لحاظ توانمندی نظامی موقعیت دوم را از میان ۱۳۶ کشور در جهان در سال ۲۰۱۸ داشته است. در این بررسی که بر اساس در نظر گرفتن ۵۵ معیار انجام شده است هرچه عدد به‌دست آمده به صفر نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده آن است که آن کشور در زمینه توانمندی نظامی قوی‌تر است. از نکته‌های مورد توجه در این رتبه‌بندی آن است که در کنار توجه به تعداد تسلیحات بر تنوع سلاح‌هایی آن کشور استفاده کرده نیز توجه شده است. همچنین سلاح‌های هسته‌ای در نظر گرفته نشده‌اند. موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و صنعت محلی و بومی از دیگر مؤلفه‌های در نظر گرفته شده هستند.



Source: "Ranking of the World's Military Powers" (2018), Available at: www.globalfirepower.com, (Accessed on: 14/2/2018).

نمودار ۵. رتبه‌بندی قدرت‌های نظامی جهان

نتیجه

هدف اصلی این نوشتار، بررسی سیاست خارجی و اقدام‌های رفتاری دولت روسیه در دوران دوم ریاست جمهوری پوتین بر اساس نظریه سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ مرشایمر است. در همین زمینه، در این نوشتار تلاش کردیم تا با استخراج مهم‌ترین راهبردهای رفتاری قدرت‌های بزرگ از نظر مرشایمر این راهبردها را با اقدام‌های سیاست خارجی پوتین تطبیق دهیم. در واقع، پوتین با درک آنارشیک بودن نظام بین‌الملل و نبود اعتماد و اطمینان از غرب و نیت‌های آن، تلاش کرد، با شیبهی ملایم قدرت نسبی روسیه را تا حد ممکن افزایش دهد و این

1. Global Fire Power

جدول ۲. بررسی سیاست خارجی روسیه (۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶)

با مفروض‌های نظریهٔ مرشایمر در ارتباط با الگوهای رفتاری قدرت‌های بزرگ

هژمون‌طلبی منطقه‌ای	بحران اوکراین		راهبرد جنگ	راهبرد باجگیری
گسترش نفوذ در مناطق	بحران قره‌باغ		راهبرد آتش‌بیار معرکه	
پیرامون	بحران سوریه	راهبرد موازنه‌سازی	راهبرد اتحاد و ائتلاف	راهبرد جنگ
افزایش قدرت اقتصادی	اقدام‌های ضد تحریمی			
	استفاده از ظرفیت سازمان‌های اقتصادی		عضویت در WTO	
	تقویت قدرت زمینی		نوسازی تجهیزات نظامی (تانک توپخانه)	
	افزایش قدرت هوایی		توسعهٔ جنگندهٔ سوخو و بمبافکن‌های روسی واردات هواپیماهای بدون سرنشین ساخت پایگاه هوایی در جزیرهٔ کوریل	
افزایش قدرت نظامی	افزایش قدرت دریایی		ساخت ناو پژوهش‌های-جاسوسی یانتار (کهریا) افزایش فعالیت ناوگان‌های دریایی روسیه	
	تقویت توان موشکی		بازتنظیم رقابت و توسعهٔ توانمندی‌های موشکی ایجاد سامانهٔ دفاع موشکی مشترک با متحدان	

Source: Authors.

کشور را به قدرتی تأثیرگذار در همهٔ مناطق جهان تبدیل کند. موضوعی که در سند راهبرد امنیت ملی روسیه در سال ۲۰۱۵ نیز بر آن تأکید شد. در این زمینه، الگوی رفتاری سیاست خارجی روسیه نشان می‌دهد که این کشور در پی پیشینه‌سازی قدرت خود در منطقهٔ اوراسیای مرکزی از راه ایجاد منطقه‌گرایی‌های جدید و مدیریت تولید معانی دسته‌جمعی به رهبری روسیه و مناطق پیرامون به‌ویژه غرب آسیاست. در این مسیر، روسیه با بهره‌گیری از راهبردهای جنگ و باجگیری، در مقابل اوکراین و به‌کارگیری راهبرد آتش‌بیار معرکه، در رویارویی با بحران قره‌باغ، تلاش می‌کند تا با جلوگیری از دست‌اندازی غرب بر این منطقه، همچنان

موقعیت خود در این منطقه را تحکیم ببخشد. مسکو علاوه بر اینکه تلاش می‌کند بر منطقه اوراسیا مسلط شود، تلاش می‌کند تا از هر فرصتی برای گسترش نفوذ خود در سایر مناطق استفاده کند. روسیه می‌کوشد تا با ایفای نقش موازنه‌گرانه در سایر مناطق، از ظهور یک هژمون در آن مناطق جلوگیری کند. نمونه بارز ایفای این نقش را می‌توان در بحران سوریه مشاهده کرد. روسیه با به‌کارگیری راهبرد اتحاد و ائتلاف و راهبرد جنگ، به موازنه‌سازی در منطقه غرب آسیا پرداخته و با توسعه پایگاه طرطوس عمق راهبردی خود در منطقه و مدیترانه را افزایش داده است. در واقع، توصیف پوتین از فروپاشی اتحاد شوروی به‌عنوان بزرگ‌ترین فاجعه قرن بیستم در سال ۲۰۰۵، استفاده از نیروی نظامی در جنگ پنج‌روزه با دولت غرب‌گرای گرجستان در سال ۲۰۰۸، ضمیمه‌کردن کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ و همچنین استفاده از ایده جهان روسی توسط وی مهم‌ترین نشانه‌هایی از قدرت‌طلبی و تلاش برای پیشینه‌سازی قدرت توسط پوتین است. در ادامه برای جمع‌بندی بحث، مهم‌ترین شاخص‌های رفتاری سیاست خارجی پوتین بر اساس میزان انطباق‌پذیری این شاخص‌ها با الگوها و راهبردهای رفتاری قدرت‌های بزرگ مورد نظر مرشایمر را بررسی می‌کنیم.

References

A) English

1. Bordachev, Timofei V. and Andrei S. Skriba (2016), "Russia's Eurasian Integration Policies", Available at: <http://www.lse.ac.uk/IDEAS/publications/reports/pdf/SR019/SR019>, (Accessed on: 8/5/2017).
2. "BP Statistical Review of World Energy" (2017), Available at: <http://www.bp.com>, (Accessed on: 1/2/2018).
3. Charap, Samuel (2014), "Why Ukraine must Bargain for Peace with Russia", Available at: <http://foreignpolicy.com/2014/11/26/why-ukraine-must-bargain-for-peace-with-russia/>, (Accessed on: 11/2/2017).
4. "Countries with the Largest Tanks and Artillery" (2018), Available at: www.globalfirepower.com, (Accessed on: 11/2/2017).
5. "Estimated Nuclear Warheads World" (2018), Available at: www.armscontrol.org, (Accessed on: 13/2/2018).
6. Goldstein, Lyle (2018), "Russia's Relationship with China will Change Northeast Asia", Available at <https://nationalinterest.org/feature/russias-relationship-china-will-change-northeast-asia-37367>, (Accessed on: 14/3/2018).
7. Kirsanov, Sergei and Evgeny Safonov (2014), "The Consequences of Russia's Accession to WTO: Conclusions and Recommendations", **European Scientific Journal**, Vol. 10, No. 16, pp. 195-210.
8. Krastev, Ivan (2014), "Russian Revisionism: Putin's Plan for Overturning the European Order", **Foreign Affairs**, Available at: <http://www.iwm.at/transit/>

transit-online/russian-revisionism-putins-plan-overturning-european-order/,
(Accessed on: 1/3/2018).

9. Mearsheimer, John J. (2001), **The Tragedy of Great Power Politics**, New York: Norton.
10. Mearsheimer, John J. (2010), "Structural Realism", in: Tim Dunne, Milja Kurki and Steve Smith (eds.), **International Relations Theories: Discipline and Diversity**, Oxford: Oxford University Press, pp: 77-94.
11. "Military Doctrine of the Russian Federation" (2014), Available at: <https://www.offiziere.ch/wp-content/uploads-001/2015/08/Russia-s-2014-Military-Doctrine.pdf>, (Accessed on: 11/2/2018).
12. "Ranking of the World's Military Powers" (2018), Available at: www.globalfirepower.com, (Accessed on: 14/2/2018).
13. "Russia's GDP Growth Rate 2012-2018" (2018), Available at: www.tradingeconomics.com, (Accessed on: 10/3/2018).
14. "Russia's Military Power" (2018), Available at: https://www.GlobalFirePower.com/country-military-strength-detail.asp?country_id=Russia, (Accessed on: 11/2/2018).
15. "Russia's Position in Terms of Marine Equipment among the Great Powers" (2018), Available at: www.globalfirepower.com, (Accessed on: 11/2/2017).
16. "Russian National Security Strategy" (2015), Available at: www.ieee.es/Galerias/fichero/OtrasPublicaciones/Internacional/2016/Russian-National-Security-Strategy-31Dec2015.pdf, (Accessed on: 10/4/2017).
17. Spaulding, Hugo (2015), "Putin's Next Objectives in the Ukraine Crisis", **Institute for the Study of War (ISW)**, Available at: www.understandingwar.org, (Accessed on: 6/2/2018).

B) Persian

1. Abolhasan Shirazi, Habibollah (2016), "Approach of the Security Council toward the Crisis in Syrian Islamic Country (2011-2016)", **Quarterly Journal of Political Research in Islamic World**, Vol. 5, No. 4, pp. 51-86.
2. Ali Hoseini, Ali and Hasan Aineh Vand (2016), "An Analysis of the Impact of Neo-Eurasian thought on Russian Foreign Policy in the 2014 Ukrainian Crisis", **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 21, No. 92, pp. 131-165.
3. Hedayati Shahidani, Mehdi (2018), "Russia's Approach against Economic Sanctions (2014 – 2018)", **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 24, No. 101, pp. 151-178.
4. Keramatnia, Roghayeh (2017), "The Evaluation of North Pipeline of Energy and its Challenges", **Institute for Iranian Studies and Eurasia**, pp. 1-14, Available at: www.iras.ir, (Accessed on 1/2/2018).

5. Koolae, Elaheh and Afifeh Abedi (2018), "Geopolitical Components of the Russian Foreign Policy", **International Quarterly of Geopolitics**, Vol. 14, No. 49, pp. 6-36.
6. Koolae, Elaheh and Mohammad Soltaninejad (2017), "The Causes and Motivations of the Russian Military Operation in Syria", **Strategic Studies Quarterley**, Vol. 19, No. 73, pp. 115-136.
7. Majidi, Mohammadreza, Mohammad Javad Fathi and Mohammad Jahanbakhsh (2017), "The Crisis Management of Russian Federation in Ukraine Problem", **Central Eurasia Studies**, Vol. 10, No. 2, pp. 359-376.
8. Valizadeh, Akbar, Simin Shirazi and Hamidreza Azizi (2015), "The Impact of Ukraine Crisis in 2014 on the Relations of United States of America and Russia", **Central Eurasia Studies**, Vol. 8, No. 1, pp. 149-171.
9. Zahrani, Mostafa and Teimoor Faraji (2013), "The International Sources of Karabakh Conflict Continuation", **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 19, No. 83, pp. 107-134.

